

همیشه ولایتمداری خوب نیست!

بدون روتوش

brotoush.com
mail@brotoush.com

بهار ۱۳۹۲ گاهه ایمن

وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ ۤأَلَّا تَعْدِلُوۡا ، اَعْدِلُوۡا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰى

مائدہ: ۸

فهرست

۱۴	... به هیچ‌کس نمی‌توانید توهین کنید	۴	... حرف اول
۱۵	... بردن آبروی یک مسلمان	۶	... ظلم در گفتارها و قضاوت‌ها
۱۶	... مشتعل کردن اختلاف نظرها	۶	... ادعاهای اثبات‌نشده
۱۶	... آدمهای هوشمندتر دفع می‌شوند	۷	... به کسی نباید بیهوده تهمت زد
۱۷	... این قطعاً از اسلام نیست	۸	... پیروزی با ظلم و دروغ
۱۸	... خودمان را مقید کنیم به اخلاق اسلامی	۸	... اعتراف علیه دیگران
۱۸	... تعرض به آبروی دیگران	۹	... بددنام کردن با گمان و به تهمت
۱۹	... این عادت باید در مجلس ریشه‌کن شود	۱۰	... منافق و ضدولایت‌فقیه نخوانید
۱۹	... آبروی مؤمن هم‌ردیف جان او است	۱۰	... ظلم کردن به خاطر مخالفت
۲۰	... نظر متفاوت مخالفت با ولایت فقیه نیست	۱۱	... چون انقلابی هستیم مجازیم
۲۰	... پرهیز از قول به غیر علم، غیبت و تهمت	۱۲	... محیط را باید محیط اخلاقی کرد
۲۱	... رقیب جناحی را شیطان اکبر نبیند	۱۲	... چرا به هم حسن‌ظن ندارید؟
۲۱	... کارهای خلاف شرع، عقل و اخلاق	۱۳	... فضایی، خلاف شرع، اخلاق و عقل سیاسی
۲۲	... اگر واقعاً حزب‌اللّٰهی و مؤمنند، نکنند	۱۴	... بی‌اخلاقی به نام انقلابیگری انحراف است

حرف اول

اول.

دیگر عادت کرده ایم که هر وقت پیچ رسانه را باز می کنیم؛ از یک طرف با افشاگری و اتهام‌زنی‌های فلان شخصیت یا سایت متعلق به گروه الف مواجه شویم که از مفاسد اقتصادی، اخلاقی و اعتقادی رئیس فلان قوه و اطرافیانش می‌گویند و از طرف دیگر؛ افشاگری و اتهام‌زنی‌های فلان شخصیت یا سایت متعلق به گروه ب (رقیب گروه الف) را ببینیم که درباره مفاسد اقتصادی، اخلاقی و اعتقادی نمایندگان فلان قوه‌ی دیگر داد سخن می‌دهند. جالب اینجاست که هر دو گروه هم شعار ولایت‌مداری می‌دهند و این اقدامات را وظیفه دینی خود در راستای «عدم سکوت در برابر ظلم و رسوا کردن ظالم» می‌دانند. مانند که برخی‌ها؛ رقبای خود را اهل بدعت می‌خوانند و غیبت و حتی تهمت در حق آن‌ها را حلال و بلکه مستحب می‌دانند. در این فضای آلوده است که وقتی رهبری از «دو دو» کردن نمایندگان مجلس در هنگام سخنرانی رئیس جمهور، ابراز ناراحتی و نگرانی شدید می‌کنند و یا وقتی رهبری افشاگری‌های رئیس جمهور در «یکشنبه سیاه مجلس» را خلاف شرع، اخلاق و قانون می‌خوانند؛ عده ای از برخوردارهای ایشان تعجب می‌کنند و می‌گویند چرا؟ مگر چه اتفاقی افتاده است؟

دوم.

هرچند همه این قضایای که گفتیم از ایام تبلیغات انتخابات ۸۸ شروع نشد ولی در هر صورت رواج شدید بد اخلاقی و اتهام‌زنی در آن ایام و پیش از آن در ایام تبلیغات مرحله اول و دوم انتخابات ۸۴؛ تاثیر زیادی در گسترش این فضا در جامعه داشت و لطمه قابل توجهی به اعتماد مردم به مسئولین زد و از آن تاریخ هر قدر که رهبری به صورت عمومی و خصوصی؛ به‌صراحت یا کنایه‌وار به افراد، گروه‌ها و رسانه‌ها تذکر دادند که بی‌اخلاقی و بی‌انصافی نکنید و بیهوده تهمت نزنید، هیچ‌کس به روی خودش نیاورد و رگ ولایت‌مداری‌اش باد نکرد. این روال ادامه پیدا کرد و بدتر و بدتر شد تا رسیدیم به امروز.

سوم.

شاید اتهام‌زنی‌های امروز علیه احمدی‌نژاد و دولت ادامه‌ی رفتار رسانه‌ها و شخصیت‌های سیاسی و دینی ای بود که سال ۸۸ به بهانه مقابله با «فتنه» بند اخلاق را از دست و پای خود گشودند و توجهی به توصیه‌های رهبر انقلاب نکردند. حتی شاید بتوان گفت بی‌اخلاقی در مقابله با «فتنه» نتیجه بی‌اخلاقی مخالفان دولت در ایام دولت نهم و به‌خصوص ایام انتخابات ۸۸ بود؛ حتی می‌توان عقب‌تر رفت و دید که همان‌ها که امروز علیه «جریان انحرافی» و دیروز علیه «فتنه» خود را ملزم به رعایت انصاف و اخلاق و قانون می‌دانند، در انتخابات ۸۴ علیه هاشمی رفسنجانی بی‌اخلاقی را تمرین کردند. انتقادات واقعی و به‌جایی که علیه هاشمی طرح می‌شد، دلیلی نداشت که با شب‌نامه‌ها و توهین‌ها و تهمت‌هایی که آن ایام برای رأی‌نیاوردن رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام پخش می‌شد همراه شود. رهبر انقلاب پس از انتخابات ۸۴ و تنفیذ حکم رئیس جمهور گفتند:

«در خلال این انتخابات، برخی کارهایی انجام گرفت که بنده به عواملی که این کارها را انجام دادند، بدبینم؛ این تخریب‌هایی که صورت گرفت. بعضی از تخریب‌ها البته از روی بی‌توجهی بود؛ بعضی از آقایان و نامزدها یا طرفداران آن‌ها با محاسباتی، حرف‌هایی نسبت به نظام زدند که واقع‌بینانه نبود؛ خیلی از مثبتات نظام، از کارهای بزرگ نظام نادیده گرفته شد و سیاه‌نمایی شد. و پیشرفت‌های عظیمی که به وسیله‌ی دولت‌ها در این سال‌ها به وجود آمده، ندیده گرفته شد؛ این‌ها از روی غفلت بود، لیکن بعضی از این تخریب‌ها از روی غفلت نبود. تعدادی از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری مورد تخریب قرار گرفتند؛ تخریب‌های غیر منصفانه و ناجوانمردانه؛ حتی شخصیت موجهی مثل آقای هاشمی رفسنجانی که شخصیت محترم و باسابقه‌ای است، از دم این تخریب‌ها در امان نماند. این، حادثه‌ی بدی بود. رحمت الهی را نباید با این‌گونه کارها آلوده کرد؛ با این که ما تأکید کرده بودیم. امروز چون گذشته است، من نصیحت می‌کنم؛ اما مسئولان قضایی و غیر قضایی، غیر از نصیحت، وظایف دیگر هم دارند؛ آنها عوامل این تخریب‌ها را تعقیب کنند و آنها را پیدا کنند.»^۱

اگر همان‌وقت هوشیار می‌شدیم و یاد می‌گرفتیم که برای نقد دوستان و حتی تخطئه‌ی دشمنان هم نباید اخلاق را زیر پا بگذاریم به این‌جا که هستیم نمی‌رسیدیم.

¹ <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3297>

چهارم.

آنچه در ادامه می‌خوانید، سخنان رهبر انقلاب در چهار سال گذشته است که فعالان سیاسی و رسانه‌ای را به اخلاق و انصاف دعوت کرده است. حرف اصلی ما این است که طبق دیدگاه‌های رهبر، سیاسیون و رسانه‌ها به صورت عام و همیشگی و نامزدهای انتخاباتی و هوادارانشان به طور خاص در ایام تبلیغات انتخاباتی و برای جمع‌آوری رای چه کارهایی نباید بکنند؟ البته اگر ادعا دارند ولایت‌مدارند، اگر «واقعا مؤمن و حزب‌اللهی هستند»^۲، اگر ادعا دارند مصالح کلان کشور برای‌شان اهمیت دارد، یا لاقلاً اگر ادعا دارند که انسان‌اند و به اخلاق پایبند؛ اگر ادعایی ندارند که هیچ؛ زیاده‌عرضی نیست!

^۲ <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22042>

ظلم در گفتارها و قضاوت‌ها دامن همه جامعه را خواهد گرفت

فضای تبلیغاتی کشور، فضای مطبوعاتی کشور، فضای تبلیغات سیاسی کشور به هیچ وجه فضای خرسندکننده‌ای نیست. ما بایستی از اسلام برای عمل خودمان، برای رفتارهای خودمان، برای موضع‌گیری‌های خودمان درس بگیریم و بدانیم بقای نظام اسلامی، برکات

این فضای بی‌بندوباری در حرف زدن، در اظهارات علیه دولت، علیه کی به خاطر اغراض، این‌ها چیزهایی نیست که خدای متعال از این‌ها به‌آسانی بگذرد.
بعضی از ظلم‌ها، بعضی از کارها هست که نتیجه و اثر آن دامن همه، نه فقط دامن آن ظالم را می‌گیرد.

الهی، تفضلات و رحمت الهی تا وقتی است که ما پایبند و مقید باشیم. خدا که با ما قوم و خویشی ندارد. بارها من عرض کرده‌ام بنی‌اسرائیل همان کسانی هستند که خدای متعال در قرآن مکرر می‌فرماید: «اذکروا نعمتی الّتی انعمت علیکم و ائی فُضلتکم علی العالمین» [بقره/۴۷] خدا بنی‌اسرائیل را بر عاملین تفضیل داد؛ اما همین بنی‌اسرائیل به خاطر اینکه لوس شدند، قدر نعمت خدا را ندانستند و کفران کردند، «کونوا قرده خاسئین» [بقره/۶۵] «ضربت علیهم الذّلة و المسکنة» [بقره/۶۱] تبدیل شدند به این. وقتی رحمت الهی برای ما پیش خواهد آمد که مواظب و مراقب خودمان باشیم؛ مراقب حرف زدتمان، مراقب اقدام کردتمان، مراقب تبلیغاتمان. این فضای بی‌بندوباری در حرف زدن، در اظهارات علیه دولت، علیه کی به خاطر اغراض، این‌ها چیزهایی نیست که خدای متعال از

این‌ها به‌آسانی بگذرد. آن وقت کسانی خطا می‌کنند، خدای متعال «و اتقوا فتنة لا تصیبنّ الّذین ظلموا منکم خاصّة» [انفال/۲۵] بله این جور است. بعضی از ظلم‌ها، بعضی از کارها هست که نتیجه و اثر آن دامن همه، نه فقط دامن آن ظالم را می‌گیرد؛ بر اثر رفتار یک عده‌ای که در گفتار خودشان، در عمل خودشان، در قضاوت خودشان ظلم می‌کنند. باید مراقب این چیزها بود.^۲

بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران حج (۱۵ آبان ۸۷)

[پس از اوج‌گیری انتقادات و اتهامات به دولت در موضوع مدرک جعلی علی کردان]

ادعاهای اثبات‌نشده را نباید رسانه‌ای کرد

بنده هم مثل بقیه‌ی آحاد ملت نشستم پای تلویزیون و این مناظره‌ها را تماشا کردم و از آزادی بیان لذت بردم؛ از این‌که نظام جمهوری اسلامی توانسته است به کمک مردم بیاید تا بتواند قدرت انتخاب خود را بالا ببرد، لذت بردم؛ اما این بخش معیوب قضیه، بنده را ناخرسند کرد؛ متأثر شدم. برای طرفداران نامزدها هم آن بخش‌های معیوب، آن تعریض‌ها، آن تصریح‌ها، التهاب‌آور و نگران‌کننده بود، که البته از هر دو طرف هم بود. بنده اینجا در منبر نماز جمعه، در خطبه‌ای که در حکم نماز است، حقایق را باید بیان بکنم. هر دو طرف در این عیب متأسفانه مشترک بودند. از یک طرف صریح‌ترین اهانت‌ها به رئیس جمهور قانونی کشور شد.

هر کس هر ادعائی دارد، بایستی در مجاری قانونی خودش اثبات بشود و قبل از اثبات نمی‌شود این‌ها را رسانه‌ای کرد... وقتی این جور حرف‌ها مطرح میشود، تلقی‌های نادرست در جامعه به وجود می‌آید، جوان‌ها چیز دیگری خیال می‌کنند، چیز دیگری می‌فهمند.

حتی از دو سه ماه قبل از مناظرات هم این سخنرانی‌ها را برای من می‌آوردند و من می‌دیدم یا گاهی می‌شنیدم؛ تهمت‌هایی زدند، حرف‌هایی گفتند؛ به کی؟ به کسی که رئیس جمهور قانونی کشور است، متکی به آراء مردم است. نسبت‌های خلاف دادند، رئیس جمهور مملکت را که مورد اعتماد مردم است، به دروغ‌گویی متهم کردند! این‌ها خوب است؟ کارنامه‌های جعلی برای دولت درست کردند، اینجا آنجا پخش کردند، که ما که در جریان امور هستیم، می‌بینیم می‌دانیم که اینها خلاف واقع است؛ فحاشی کردند؛ رئیس جمهور را خرافاتی، رمال، از این نسبت‌های خجالت‌آور دادند؛ اخلاق و قانون و انصاف را زیر پا گذاشتند. این از آن طرف. از این طرف هم همین جور؛ از این طرف هم شبیه همین کارها به نحو دیگری

انجام گرفت. کارنامه‌ی درخشان سی ساله‌ی انقلاب کمرنگ جلوه داده شد؛ اسم بعضی از اشخاص برده شد که اینها شخصیت‌های این نظامند؛ این‌ها کسانی هستند که عمرشان را در راه این نظام صرف کردند. بنده در نماز جمعه هیچ‌وقت رسم نبوده است از افراد اسم بیاورم؛ اما این‌جا چون اسم آورده شده است، مجبورم اسم بیاورم. به طور خاص از آقای هاشمی رفسنجانی، از آقای ناطق نوری

³ <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4205>

امیرالمؤمنین برای پیروزی به ظلم و دروغ متوسل نمی‌شد

در این سیاست‌ورزی، امیرالمؤمنین یکی از خصوصیاتش این است: از مکر و فریب دور است. در یک جمله‌ای از حضرت نقل شده که: «لو لا التقی لکننت ادهی العرب» [کافی، ج ۸، ص ۲۲] اگر تقوا دست و پای مرا نمی‌بست، از همه‌ی آحاد و مکاران عرب، مکر و حيله را بهتر بلد بودم. یک جای دیگر در مقام مقایسه‌ی معاویه با خودش - چون معاویه به دهاء و مکر در حکومت معروف بود -

علی چه کند؟ وقتی بنای بر رعایت تقوا و رعایت اخلاق دارد، دست و زبانش بسته است. روش امیرالمؤمنین این است. تقوا که نبود، دست و زبان انسان باز است، می‌تواند همه چیز بگوید، نقض تعهدات می‌تواند بکند، دلبستگی به دشمنان صراط مستقیم می‌تواند پیدا کند. وقتی تقوا نبود، این‌جوری است. امیرالمؤمنین می‌فرماید: من سیاست را با تقوا انتخاب کردم، با تقوا اختیار کردم؛ این است که در روش امیرالمؤمنین، مکاری و حيله‌گری و کارهای کثیف و این چیزها وجود ندارد؛ پاکیزه است... یکی از خصوصیات سیاست‌ورزی امیرالمؤمنین این بود که برای پیروز شدن، به ظلم و به دروغ و به کارهای ظالمانه

متوسل نمی‌شد. یک عده‌ای در اوائل حکومت امیرالمؤمنین آمدند که آقا شما این افرادی که تو جامعه هستند - این متنفذین - یک مقداری ملاحظه‌ی این‌ها را بکن و سهم بیشتری از بیت‌المال به این‌ها بده، مخالفت این‌ها را موجب نشو و دل‌هایشان را جلب کن! فرمود: «أ تأمرونی ان أطلب النصر بالجور»؛ شما میخواهید من پیروزی را به وسیله‌ی ظلم برای خودم دست و پا کنم؟ «والله لا اطور به ما سمر سمیر و ما أمّ نجم فی السماء نجماً» [نهج‌البلاغه، خ ۱۲۶] امکان ندارد امیرالمؤمنین با ظلم، با راه غلط و خطا، با شیوه‌های غیر اسلامی دوست برای خودش درست کند.^۶

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران (۲۰ شهریور ۸۸)

اعتراف متهم علیه دیگری شرعاً حجیت ندارد

به اخلاق خودمان هم برسیم؛ به اخلاق خودمان هم برسیم. اخلاق اهمیتش از عمل هم بیشتر است. فضای جامعه را فضای برادری، مهربانی، حسن ظن قرار بدهیم. من هیچ موافق نیستم با اینکه فضای جامعه را فضای سوءظن و فضای بدگمانی قرار بدهیم. این عادات را از خودمان باید دور کنیم. اینکه متأسفانه باب شده که روزنامه و رسانه و دستگاه‌های گوناگون ارتباطی - که امروز

این‌که در دادگاه‌ها - که در تلویزیون هم پخش می‌شد - از قول یک متهمی چیزی راجع به یک کس دیگری گفته می‌شود، من این را بگویم که این، شرعاً حجیت ندارد... علیه دیگری خواهد اعترافی کند، نه، مسموع نیست.

روزبه‌روز هم بیشتر و گسترده‌تر و پیچیده‌تر می‌شود - روشی را در پیش گرفته‌اند برای متهم کردن یکدیگر، این چیز خوبی نیست؛ این چیز خوبی نیست، دل ما را تاریک می‌کند، فضای زندگی ما را ظلمانی می‌کند. هیچ منافات ندارد که گنه‌کار تاوان گناه خودش را ببیند، اما فضا، فضای اشاعه‌ی گناه نباشد؛ تهمت زدن، دیگران را متهم کردن به شایعات، به خیالات. همین جا من این را هم بگویم؛ این‌که در دادگاه‌ها - که در تلویزیون هم پخش می‌شد - از قول یک متهمی چیزی راجع به یک کس دیگری گفته می‌شود، من این را بگویم که این، شرعاً حجیت ندارد. بله، متهم هرچه درباره‌ی خود در دادگاه بگوید، این حجت است. اینکه بگویند در دادگاه درباره‌ی خودش اگر

^۶ <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8033>

اعترافی کرد، حجت نیست، این حرف مهملی است، حرف پزیرشی است؛ نه، هر اقراری، هر اعترافی، شرعاً، عرفاً و در نزد عقلا در یک دادگاه در مقابل دوربین، در مقابل بینندگان میلیونی که متهم علیه خود بکند، این اعتراف مسموع است، مقبول است، نافذ است؛ اما علیه دیگری بخواهد اعترافی کند، نه، مسموع نیست.^۷

بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر (۲۹ شهریور ۸۸)

[پس از پخش دادگاه متهمان حوادث پس از انتخابات ۸۸ از سیمای جمهوری اسلامی که در آن‌ها از کسانی مانند مهدی هاشمی نام برده شد]

به گمان و به تهمت کسی را در جامعه بدنام نکنیم

فضا را نباید از تهمت و از گمان سوء پر کرد. قرآن کریم می‌فرماید: «لو لا اذ سمعتموه ظن المؤمنون و المؤمنات بانفسهم خیرا» [نور/۱۲] وقتی می‌شنوید که یکی را متهم می‌کنند، چرا به همدیگر حسن ظن ندارید؟ تکلیف دستگاه اجرایی و قضایی به جای خود محفوظ است. دستگاه‌های اجرایی باید مجرم را تعقیب کنند، دستگاه‌های قضایی باید مجرم را محکوم و مجازات کنند؛ با همان روشی که ثابت می‌شود و در قوانین اسلامی و قوانین عرفی ما هست و هیچ هم در این زمینه نباید کوتاه بیایند؛ اما مجازات مجرم که

از طرق قانونی جرم او ثابت شده است، غیر از این است که به گمان، به خیال، به تهمت، یکی را متهم کنیم، بدنام کنیم، توی جامعه دهن به دهن بگردانیم. اینکه نمی‌شود. این فضا، فضای درستی نیست. یا دیگران - خارجی‌ها، بیگانه‌ها، تلویزیون‌های مغرض - علیه کسی یا کسانی حرفی بزنند، ادعا کنند که این‌ها فلان‌جا خیانت کردند، فلان‌جا خطا کردند؛ ما هم عین همان را پخش کنیم. این، ظلم است؛ این، مورد قبول نیست. رسانه‌های بیگانه کی دلشان برای ما سوخته است؟ کی خواسته‌اند حقائق در مورد ما روشن بشود، که در این مورد بیابند حقیقت را گفته باشند؟ می‌گویند، حرف‌هایی می‌زنند، ادعاهایی می‌کنند. نباید گفت این‌ها شفافیت است. این، شفافیت نیست؛ این، کدر کردن فضا است. شفافیت معنایش این است که مسئول در جمهوری اسلامی عملکرد خودش را

قرآن کریم می‌فرماید: «لو لا اذ سمعتموه ظن المؤمنون و المؤمنات بانفسهم خیرا» [نور/۱۲]
وقتی می‌شنوید که یکی را متهم می‌کنند، چرا به همدیگر حسن ظن ندارید؟
به گمان، به خیال، به تهمت، یکی را متهم کنیم، بدنام کنیم، توی جامعه دهن به دهن بگردانیم.
اینکه نمی‌شود. این فضا، فضای درستی نیست.

به طور واضح در اختیار مردم قرار بدهد؛ این معنای شفافیت است، باید هم بکنند؛ اما این‌که ما بیایم این و آن را بدون این‌که اثبات شده باشد، بگیریم زیر بار فشار تهمت و چیزهایی را به آنها نسبت بدهیم که ممکن است در واقع راست باشد، اما تا مادامی که ثابت نشده است، ما حق نداریم آن را بیان کنیم؛ این آن را متهم کند، آن این را متهم کند؛ از رسانه‌های بیگانه - رسانه‌های مغرض انگلیس - شاهد برایش بیاوریم، بعد هم یک نفر از آن طرف پیدا بشود و کل نظام را به اموری که شایسته‌ی نظام اسلامی نیست و نظام اسلامی شأنش بسیار بالاتر است از این چیزهایی که بعضی به نظام اسلامی نسبت می‌دهند، متهم بکند، این اشکال بر آن‌ها بیشتر هم وارد است. تهمت زدن به یک شخص گناه است، تهمت زدن به یک نظام اسلامی، به یک مجموعه، گناه بسیار بزرگتری است. پروردگارا! با تقوای خود ما را از این گناهان دور کن.^۸

بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر (۲۹ شهریور ۸۸)

⁷ <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8070>

⁸ <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8070>

نباید کسی را به مجرد هر خطا و اختلاف نظری منافق و ضدولایت فقیه خواند

نمی‌شود هر کسی را به مجرد يك خطائی یا اشتباهی گفت منافق؛ نمی‌شود هر کسی را به مجرد اینکه يك کلمه حرفی برخلاف آن چه که من و شما فکر می‌کنیم، زد، بگوئیم آقا این ضدولایت فقیه است. در تشخیص‌ها خیلی باید مراقبت کنید. من تأکیدم به شما جوانان عزیز، فرزندان عزیز خود من، جوانان پرشور این کشور در سرتاسر میهن عزیز، همین است. انگیزه‌ها با شدت، با قوت، با ایمان کامل، با امید کامل به آینده حفظ بشود؛ اما در تشخیص‌ها و در مصداق‌های مختلف دقت بشود. بی‌دقتی در مصداق‌ها، گاهی اوقات ضررها و لطمات بزرگی خواهد زد.^۹

بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور (۴ آذر ۸۸)

[پس از شعار «مرگ بر منافق» حصار در پی سخنان رهبری درباره سران فتنه ۸۸ در جریان همین سخنرانی]

مخالفت با دیگران ما را وادار به ظلم کردن نکند

تقوا در مسائل شخصی یک حرف است؛ تقوا در مسائل اجتماعی و مسائل سیاسی و عمومی خیلی مشکل‌تر است، خیلی مهم‌تر است، خیلی اثرگذارتر است. ما نسبت به دوستانمان، نسبت به دشمنانمان چه می‌گوئیم؟ این‌جا تقوا اثر می‌گذارد. ممکن است ما با یکی مخالف باشیم، دشمن باشیم؛ درباره‌ی او چگونه قضاوت می‌کنید؟ اگر قضاوت شما درباره‌ی آن کسی که با او مخالفید و با او دشمنید، غیر از آن چیزی باشد که در واقع وجود دارد، این تعدی از جاده‌ی تقواست. آیه‌ی شریفه‌ای که اول عرض کردم، تکرار می‌کنم: «یا ایها الذین امنوا اتقوا الله و قولوا قولا سدیداً». قول سدید، یعنی استوار و درست؛ این‌جوری حرف بزنیم. من می‌خواهم

عرض بکنم به جوانان عزیزمان، جوان‌های انقلابی و مؤمن و عاشق امام، که حرف می‌زنند، می‌نویسند، اقدام می‌کنند؛ کاملاً رعایت کنید. این‌جور نباشد که مخالفت با یک کسی، ما را وادار کند که نسبت به آن کس از جاده‌ی حق تعدی کنیم، تجاوز کنیم، ظلم کنیم؛ نه، ظلم نباید کرد. به هیچ کس نباید ظلم کرد. من یک خاطره از امام نقل کنم. ما یک شب در خدمت امام بودیم. من از ایشان پرسیدم نظر شما نسبت به فلان کس چیست - نمی‌خواهم اسم بیاورم؛ یکی از چهره‌های معروف دنیای اسلام در دوران نزدیک به ما، که همه نام او را شنیدند، همه می‌شناسند - امام یک تأملی کردند، گفتند: نمی‌شناسم. بعد هم یک جمله‌ی مذمت‌آمیزی راجع به آن شخص گفتند. این تمام شد. من فردای آن روز یا پس‌فردا - درست یادم نیست - صبح با امام کاری داشتم، رفتم خدمت ایشان.

به‌مجردی که وارد اتاق شدم و نشستم، قبل از این‌که من کاری را که داشتم، مطرح کنم، ایشان گفتند که راجع به آن کسی که شما دیشب یا پریشب سؤال کردید، «همین، نمی‌شناسم». یعنی آن جمله‌ی مذمت‌آمیزی را که بعد از «نمی‌شناسم» گفته بودند، پاک کردند. ببینید، این خیلی مهم است. آن جمله‌ی مذمت‌آمیز نه فحش بود، نه دشنام بود، نه تهمت بود؛ خوش‌بختانه من هم بکلی از یادم رفته که آن جمله چه بود؛ یعنی یا تصرف معنوی ایشان بود، یا کم‌حافظگی من بود؛ نمی‌دانم چه بود، اما این قدر یادم هست که یک جمله‌ی مذمت‌آمیزی بود. همین را ایشان آن‌شب گفتند، دو روز بعدش یا یک روز بعدش آن را پاک کردند؛ گفتند: نه، همان نمی‌شناسم. ببینید، این‌ها اسوه است؛ «لقد کان لکم فی رسول‌الله اسوة حسنة». درباره‌ی زیدی که شما او را قبول ندارید، دو جور می‌شود حرف زد: یک جور آن‌چنانی که درست منطبق با حق است، یک جور هم آن‌چنانی که در آن آمیزه‌ای از ظلم وجود دارد. این

^۹ <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8430>

دومی بد است، باید از آن پرهیز کرد. درست همانی که حق است، صدق است و شما در دادگاه عدل الهی می‌توانید راجع به آن توضیح دهید، بگوئید، نه بیشتر. این یکی از خطوط اصلی حرکت امام و خط امام است که ماها باید به یاد داشته باشیم.^{۱۰}

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در حرم امام خمینی (ره) (۱۴ خرداد ۸۹)

[پیش از آغاز سخنرانی رهبری؛ عده ای از حضار با دادن شعارهایی مانع ادامه یافتن سخنرانی حجت الاسلام سید حسن خمینی در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام(ره) شدند]

این جور نیست که چون انقلابی هستیم می‌توانیم علیه دیگران هرچیزی بگوئیم

من بارها گفته‌ام: ظلم نکنیم. این هم یکی از آن اساسی‌ترین کارهاست. ظلم چیز بدی و چیز خطرناکی است. ظلم فقط این نیست که آدم توی خیابان به یکی کشیده بزند. گاهی یک کلمه‌ی نابه‌جا علیه یک کسی که مستحقش نیست، یک نوشته‌ی نابه‌جا، یک حرکت نابه‌جا، ظلم محسوب می‌شود. این طهارت دل را و طهارت عمل را خیلی بایستی ملاحظه کرد. من این را به نظرم یک جایی

گفتم. پیغمبر اکرم ایستاده بودند یک کسی را که حد رجم زنا را بر او جاری می‌کردند، می‌دیدند؛ بعضی‌ها هم ایستاده بودند؛ دو نفر با همدیگر حرف می‌زدند؛ یکی به یکی دیگر گفت که مثل سگ تمام کرد و جان داد - یک همچین تعبیری - بعد پیغمبر به سمت منزل یا مسجد راه افتادند و این دو نفر هم همراه پیغمبر بودند. توی راه که می‌رفتند، رسیدند به یک جیفه‌ی مرداری - به یک مرداری، حالا جسد سگی بود، درازگوشی بود، هر چی بود - که مرده بود و آنجا افتاده بود. پیغمبر به این دو نفر رو کردند و گفتند: گاز بگیرید و یک مقداری از این میل کنید. گفتند: یا رسول‌الله! ما را تعارف به مردار می‌کنید؟! فرمود: آن کاری که با آن برادران کردید، از این گاز زدن به این مردار بدتر بود. حالا آن برادر کی بوده؟ برادری که زنا می‌کرده بوده و رجم شده و این‌ها درباره‌اش آن دو جمله را گفته‌اند و پیغمبر این جور ملامتشان می‌کند! زیادت

نگوئید از آنچه که هست، از آنچه که باید و شاید. منصف باشیم؛ عادل باشیم. این‌ها آن وظائف ماست. این جور نیست که ما چون مجاهدیم، چون مبارزیم، چون انقلابی هستیم، بنابراین هر کسی که از ما یک ذره - به خیال ما و با تشخیص ما - کم‌تر است، حق داریم که درباره‌اش هر چی که می‌توانیم بگوئیم؛ نه، این جور نیست. بله، ایمان‌ها یکسان نیست، حدود یکسان نیست و بعضی بالاتر از بعضی دیگر هستند. خدا هم این را می‌داند و ممکن است بندگان صالح خدا هم بدانند؛ لکن در مقام تعامل و در مقام زندگی جمعی، باید این اتحاد و این انسجام حفظ بشود و این تمایزها کم بشود.^{۱۱}

بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیئت علمی دانشگاه‌ها (۲ تیر ۸۹)

[یک روز پس از داده شدن برخی شعارهای تند بر ضد رئیس مجلس توسط تعدادی از دانشجویان معترض به تصویب قانونی درباره دانشگاه آزاد]

¹⁰ <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=9524>

¹¹ <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=9640>

محیط را باید محیط اخلاقی کرد

اینی که اصلاً این کار [غیبت] جایز است یا جایز نیست ولو به قصد اصلاح باشد، این را نمی‌شود به طور مطلق یک چنین چیزی را پابند شد؛ که ما بگوئیم ما چون می‌خواهیم در امر جامعه اصلاح کنیم، پس زیدی را، عمروی را یا یک جریان را به طور مطلق مورد تهاجم قرار بدهیم، غیبت کنیم؛ حالا آن کسانی که این کارها را می‌کنند، خیلی اوقات به غیبت هم اکتفاء نمی‌کنند؛ خوب، ملاحظه می‌کنید دیگر. گاهی چیزهایی را می‌آورند که معلوم نیست حدّ غیبت [= معنی و تعریف غیبت] بر او صادق باشد؛ شاید مصداق تهمت است، مصداق افتراء است، مصداق قول به غیر علم است، مصداق سب و شتم است؛ نمی‌شود این را گفت که اگر طرف قصد اصلاح دارد، پس بنابراین این جایز است برای او، نه؛ موارد استثناء همان مواردی است که [در کتب فقهی] ذکر شده است. منتها باید این موارد صدق کند، احراز بشود. این خیلی مهم است. واقعاً یکی از چیزهایی که ما همه‌مان [باید توجه کنیم]، به مردم هم باید بگوئیم، یاد بدهیم که توجه بکنند این است که: به صرف توهّم این که حالا این کار مصلحت دارد، دستشان را، یا قلمشان را، یا

به صرف توهّم این که حالا این کار مصلحت دارد، دستشان را، یا قلمشان را، یا ویلاگشان را آزاد نکنند که هر چه به دهندشان آمد، آن را بگویند؛ این جور نیست، چون وسائل مدرن امروز همه مشمول همین حکم است.

ویلاگشان را آزاد نکنند که هر چه به دهندشان آمد، آن را بگویند؛ این جور نیست، چون وسائل مدرن امروز همه مشمول همین حکم است. یعنی خواندن ویلاگ هم مثل خواندن کاغذ است، کتاب است، نامه است، مثل شنیدن حرف است. استماع غیبت شامل همه این‌ها می‌شود؛ یعنی ملاک استماع در این‌ها وجود دارد مسلماً. شنیدن به گوش خصوصیتی ندارد، خواندن تو نامه هم عین همان است که ما در بحث استماع این را تأکید کردیم و عرض کردیم. خوب، دوربین هم همین جور است. فرض کنید که اگر چنانچه انسان یک خطایی را از کسی دید، این را رفت با دوربین ثبت کرد، بعد آمد یک جایی نشان داد؛ این هم همان است دیگر، چه فرقی می‌کند؟ یعنی بایستی واقعاً به این‌ها توجه کرد. محیط را باید محیط اخلاقی کرد. ما اگر بخواهیم جامعه را اصلاح بکنیم، این اصلاح فقط به این نیست که انسان از افراد غیبت بکند. راه‌های دیگری هم وجود دارد. حالا من غیبت را عرض می‌کنم. فضلاً از [= تا چه رسد به] تهمت و افتراء و این‌ها.¹²

جلسه درس خارج فقه/ حکم غیبت با ابزار قلم و رسانه‌های جدید (۷ دی ۸۹)

چرا به هم حسن ظن ندارید؟

یعنی چرا به هم ظن نیک ندارید، چرا به هم حسن ظن ندارید. تا فوراً کسی آمد، شما بگوئید بله، احتمال درستی‌اش هم اگر بود، آدم به صورت یقین آن را بداند و نقل بکند. این درست نیست، این ممنوع است. این چیزی که امروز مورد ابتلاست در جامعه‌ی ما، از همان چیزهایی است که بایست از همین ادله‌ی غیبت بفهمیم که درست نیست.

بنده یک وقتی به یک مناسبتی در یک صحبت عمومی عرض کردم به مردم که قرآن کریم می‌فرماید: «لولا اذ سمعتموه ظن المؤمنون و المؤمنات بأنفسهم خیراً» [نور/۱۲] یعنی وقتی افک [= تهمت و افتراء] را شنیدید چرا به همدیگر حسن ظن نداشتید؟ یعنی از اول رد کنید افک را. [اگر] آمدند به یک نفری تهمت زدند، یک چیزی را گفتند - حالا یا با عنوان تهمت یا به عنوان غیبت - چرا قبول می‌کنید؟ ببینید این کلمه‌ی لولای تحذیریه در قرآن و در کلام عرب خیلی معنای وسیعی دارد، فقط معنایش «چرا» نیست، که ما بگوئیم چرا این کار را نکردی. چرا با تأکید است. یعنی آه، وای، چرا؛ معنای «لولا» این است؛ تحذیریه است. «لولا اذ سمعتموه ظن المؤمنون و المؤمنات بأنفسهم خیراً»؛ یعنی چرا به هم ظن نیک ندارید، چرا به هم حسن ظن ندارید. تا فوراً کسی آمد، شما بگوئید بله، احتمال درستی‌اش هم اگر بود، آدم به صورت یقین آن را بداند

و نقل بکند. این درست نیست، این ممنوع است. این چیزی که امروز مورد ابتلاست در جامعه‌ی ما، از همان چیزهایی است که بایست از همین ادله‌ی غیبت بفهمیم که درست نیست؛ این وضعی که وجود دارد درست نیست. البته انتقاد منطقی، گفتن حرف

¹² <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10770>

صحیح این قدر حرف‌های آشکار وجود دارد که انسان اگر ذکر آن‌ها را بکند، اصلاً هم غیبت نیست، و می‌تواند انسان نقد بکند. بله مسلم است، امروز یک جریان صحیح و حقی در جامعه‌ی ما وجود دارد، جریان‌های باطنی هم وجود دارد که به انواع و اقسام طرق می‌خواهند جامعه را خراب کنند، انقلاب را منحرف کنند؛ در این شکی نیست. آدم‌هایی هم در رأس این جریانات هستند. چه لزومی دارد که انسان به این آدم‌ها تهمت بزند. چه لزومی دارد که غیبت این‌ها را بکند. حرف آشکار این قدر دارند؛ همان حرف‌های آشکار را بیان بکنند، تبیین بکنند، توضیح بدهند، مطلب روشن خواهد شد؛ هیچ نیازی به غیبت کردن نیست که آدم بگوید حالا ما برای اصلاح مثلاً غیبت می‌کنیم. بنابراین به نظر من همین ادله‌ای که در باب غیبت خواندیم، این تمام المراد را به ما نشان می‌دهد؛ یعنی واقعاً همانی که باید بفهمیم از شرع مقدس همین را انسان می‌فهمد و تشخیص می‌دهد. باید بر طبق همین هم عمل کرد.^{۱۳}

جلسه درس خارج فقه / حکم غیبت با ابزار قلم و رسانه‌های جدید (۷ دی ۸۹)

فضای هتک حرمت، خلاف شرع، اخلاق و عقل سیاسی است

فضای اهانت و هتک حرمت در جامعه، یکی از آن چیزهایی است که اسلام مانع از آن است؛ نباید این اتفاق بیفتد. فضای هتک حرمت، هم خلاف شرع است، هم خلاف اخلاق است، هم خلاف عقل سیاسی است. انتقاد، مخالفت، بیان عقاید، با جرأت، هیچ اشکالی ندارد؛ اما دور از هتک حرمت‌ها و اهانت‌ها و فحاشی و دشنام و این چیزها. همه هم در این زمینه مسئولند. این کار علاوه بر اینکه فضا را آشفته می‌کند و اعصاب آرام جامعه را به هم می‌ریزد - که امروز احتیاج به این آرامش هست - خدای متعال را هم از ما خشمگین می‌کند. من می‌خواهم این پیامی باشد به همه‌ی آن کسانی که یا حرف می‌زنند، یا می‌نویسند؛ چه در مطبوعات، چه

من به‌خصوص از جوان‌ها می‌خواهم که نگذارند این فضای غیبت و تهمت و فحاشی و هتاک و شکستن حرمت‌ها ادامه پیدا کند. وقتی که ادامه پیدا کرد، طبعاً همان طور سرایت هم می‌کند - مثل بیماری مسری - ناگهان می‌بینید مثلاً در نمازهای جمعه که محل خشوع و ذکر و توجه است، یک چنین چیزهایی گاهی احياناً دیده میشود.

در وبلاگ‌ها. همه‌ی این‌ها بداند، کاری که می‌کنند، کار درستی نیست. مخالفت کردن، استدلال کردن، یک فکر سیاسی غلط یا یک فکر دینی غلط را محکوم کردن، یک حرف است، مبتلا شدن به این امر خلاف اخلاق و خلاف شرع و خلاف عقل سیاسی، یک حرف دیگر است؛ ما این دومی را به طور کامل و قاطع نفی می‌کنیم؛ نباید این کار انجام بگیرد. متأسفانه بعضی این کار را می‌کنند. من بخصوص به جوان‌ها توصیه می‌کنم. بعضی از این جوان‌ها بلاشک مردمان بااخلاص و مؤمن و خوبی هم هستند، اما خیال می‌کنند این وظیفه است؛ نه، من عرض می‌کنم این خلاف وظیفه است، عکس این وظیفه است. البته از نفوذها، از اغواهای شیطانی دشمنان، از دخالت‌های دشمنان هم نباید غفلت کرد. همان طور که امام بارها می‌فرمودند، گاهی این جور افراد وارد اجتماعات پرشور و مؤمن و مخلص می‌شوند و آنها را به یک سمتی و یک حرکتی می‌کشاند؛ از این هم نباید

غفلت کرد؛ هم غفلت‌های ناشی از احساساتی شدن، هم ناشی از ندیدن دست‌های دشمن. بنابراین من به‌خصوص از جوان‌ها می‌خواهم که نگذارند این فضای غیبت و تهمت و فحاشی و هتاک و شکستن حرمت‌ها ادامه پیدا کند. وقتی که ادامه پیدا کرد، طبعاً همان طور سرایت هم می‌کند - مثل بیماری مسری - ناگهان می‌بینید مثلاً در نمازهای جمعه که محل خشوع و ذکر و توجه است، یک چنین چیزهایی گاهی احياناً دیده می‌شود، که غلط اندر غلط است. انسان اگر چنانچه آن خطیب نماز جمعه را قبول ندارد، خوب، اصلاً پای خطبه‌اش نمی‌نشیند، به او اقتداء هم نمی‌کند، می‌آید بیرون. یا حتی گاهی اوقات در درس‌ها، در محیط‌های علمی و درسی از این چیزها دیده می‌شود؛ که این‌ها غلط است، مضر است و مخالف مصلحت انقلاب است؛ این‌ها همان ضربه زدن و شکاف ایجاد کردن و ترک‌دار کردن هیئت عظیم و شفاف و باشکوه نظام اسلامی است که دارد با قدرت حرکت میکند و پیش می‌رود.^{۱۴}

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری (۱۹ اسفند ۸۹)

[چند هفته پس از انتشار فیلم استفاده از الفاظ توهین آمیز توسط یک فرد بر ضد فائزه هاشمی در فضای مجازی]

¹³ <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10770>

¹⁴ <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=11622>

اگر به نام انقلابی‌گری بی‌اخلاقی کنیم منحرف شده‌ایم

همین طور در نقطه‌ی دیگری: اگر به نام عدالت‌خواهی و به نام انقلابی‌گری، اخلاق را زیر پا بگذاریم، ضرر کرده‌ایم؛ از خط امام منحرف شده‌ایم. اگر به نام انقلابی‌گری، به نام عدالت‌خواهی، به برادران خودمان، به مردم مؤمن، به کسانی که از لحاظ فکری با ما

«و لایجرمنکم شنئان قوم علی الا تعدلوا». قرآن به ما دستور می‌دهد و می‌گوید: مخالفت شما با یک قومی، موجب نشود که عدالت را فرو بگذارید و فراموش کنید. «اعدلوا»؛ حتی در مورد مخالف هم عدالت به خرج دهید. «هو اقرب للتقوی» این عدالت، نزدیکتر به تقواست. مبدا خیال کنید تقوا این است که انسان مخالف خودش را زیر پا له کند؛ نه، عدالت ورزیدن با تقوا موافق است.

مخالفند، اما میدانیم که به اصل نظام اعتقاد دارند. به اسلام اعتقاد دارند، اهانت کردیم، آنها را مورد ایذاء و آزار قرار دادیم، از خط امام منحرف شده‌ایم. اگر بخواهیم به نام انقلابی‌گری و رفتار انقلابی، امنیت را از بخشی از مردم جامعه و کشورمان سلب کنیم، از خط امام منحرف شده‌ایم. در کشور آراء و عقاید مختلفی وجود دارد. اگر چنانچه یک عنوان مجرمانه‌ای بر یک حرکتی، بر یک حرفی منطبق شود، این عنوان مجرمانه البته قابل تعقیب است؛ دستگاه‌های موظف باید تعقیب کنند و میکنند؛ اما اگر عنوان مجرمانه‌ای نباشد، کسی است که نمیخواهد براندازی کند، نمیخواهد خیانت کند، نمیخواهد دستور دشمن را در کشور اجرا کند، اما با سلیقه‌ی سیاسی ما، با مذاق سیاسی ما مخالف است، ما نمیتوانیم امنیت را از او دریغ بداریم، عدالت را دریغ بداریم؛ «و لایجرمنکم شنئان قوم علی الا تعدلوا». قرآن به ما دستور می‌دهد و می‌گوید: مخالفت شما با یک قومی، موجب نشود که عدالت را فرو بگذارید و فراموش کنید. «اعدلوا»؛ حتی در مورد مخالف هم

عدالت به خرج دهید. «هو اقرب للتقوی» [مأئده/۸] این عدالت، نزدیکتر به تقواست. مبدا خیال کنید تقوا این است که انسان مخالف خودش را زیر پا له کند؛ نه، عدالت ورزیدن با تقوا موافق است. همه هوشیار باشیم، همه بیدار باشیم.^{۱۵}

بیانات در بیست و دومین سالگرد امام خمینی(ره) (۱۴ خرداد ۹۰)

به هیچ کس نمی‌توانید توهین کنید

شما می‌توانید به رئیس جمهور تذکر بدهید، سؤال کنید، استیضاح کنید ولی نمی‌توانید به هیچ کس توهین کنید، به خصوص به رئیس جمهور. رئیس جمهور یک مقام محترم است در قانون اساسی، نگاه به سابقه بکنید، همیشه روسای جمهور در مجالس مخالفی

برخورد با یک مقام دو جور است، نمایندده قانونا حق دارد حرفش را بزند، منطقی و به دور از تهمت و جنجال حرفش را بزند، منتقد هستیید از دولت، از رئیس جمهور، می‌توانید بگویید، حرفتان را بزنید و علاج جویانه وارد میدان شوید. البته یک جور هم برخورد خصمانه و کینه ورزانه است، معلوم است می‌خواهد ناخن بزند.

داشته‌اند، کی این‌طور به رئیس جمهور توهین کردند؟ این رفتار اهانت‌آمیز ظلم بود، ناحق بود، گناه بود. نگرانی‌ام نسبت به مجلس بود، حقیقتاً نگران خود مجلس شدم، این چه وضعی است که مجلس که نمونه فضائل مردم معرفی شده است، «دو- دو» کند و نگذارد کسی حرفش را بزند، من چند بار تا حالا به آقای لاریجانی گفتم که جلوی این کار را بگیرد، «دو- دو» یعنی چه؟ همین مانده که یقه یکدیگر را بگیریم و بر سر و کله هم بزنیم مثل برخی کشورهای دنیا، من جدا نگران شدم، چه کار کنیم؟ علنی بگوییم که مجلس ظلم کرد و خلاف عدل کرد و گرفتار ردیلت شد، آن وقت مردم دلسرد می‌شوند و در انتخابات شرکت نمی‌کنند، اگر مجلس بخواهد به سمتی برود که کسی حرفش را نتواند بزند، خواه رئیس جمهور باشد یا هرکس دیگری، حرفش را نتواند بزند، چه خواهد شد؟... دیروز وقتی دو- دو کردند، آقای لاریجانی باید صحبت آقای

رئیس جمهور را متوقف می‌کرد و به جماعت اقلیتی که دو- دو می‌کردند، حمله می‌کرد، این کارها مجلس را جلوی مردم بی‌آبرو می‌کند، این‌ها که دو- دو می‌کنند از نظر تعداد اقلیت هستند، باید این اقلیت را به مردم معرفی کنید. من اصلاً اعتراض ندارم که

¹⁵ <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12595>

چرا رای دادید یا ندادید، این تکلیف شماست که رأی بدهید یا ندهید. برخورد با یک مقام دو جور است، نماینده قانونا حق دارد حرفش را بزند، منطقی و به دور از تهمت و جنجال حرفش را بزند، منتقد هستید از دولت، از رئیس جمهور، می‌توانید بگویید، حرفتان را بزنید و علاج‌جویانه وارد میدان شوید. البته یک جور هم برخورد خصمانه و کینه‌ورزانه است، معلوم است می‌خواهد ناخن بزند... مجلس می‌تواند بگوید همه حرف‌های یک فردی را قبول ندارد، حتی ممکن است آن فرد غیرمنطقی هم بگوید، مهم نیست، مردم می‌فهمند غیرمنطقی است، ولی آن فرد باید بتواند حرفش را بزند، این درست نیست که مجلس بنا کند هو کردن... شما می‌خواهید بگویید مجلس با رئیس جمهور همراه نیست، خوب رای ندهند، حرفش را نپذیرند، حق که ندارند به او توهین کنند... من به آقای لاریجانی گفتم یک وقت شما کار خلافی می‌بینید و خلاف مصلحت می‌دانید، باید جوری برخورد کنید که مصلحت بزرگ‌تری ضایع نگردد.^{۱۶}

بیانات در دیدار با رئیس و جمعی از نمایندگان مجلس (۱ تیر ۹۰)

[یک روز بعد از «دو دو کردن» برخی نمایندگان مجلس در حین سخنرانی احمدی نژاد در مجلس در جلسه دفاع از وزیر پیشنهادی برای وزارت ورزش و جوانان]

کسی حق ندارد آبروی یک مسلمانی را برد

یک مطلب دیگری که در باب قوه قضائیه و عملکرد قوه و بازخوردهای این عملکرد در بیرون باید مورد توجه قرار بگیرد - که الان رئیس محترم قوه هم اشاره کردند - این است: خب، قوه قضائیه با متهم مواجه است. یک نفری متهم به یک معنایی می‌شود؛ قوه قضائیه وظیفه دارد از راه‌هایی که قانون معین کرده، برود تحقیق کند، تفحص کند و مشخص کند که این اتهام وارد است یا وارد نیست. صرف متهم شدن که جرم نیست. به هر کسی ممکن است یک اتهامی وارد شود. تا وقتی که از طریق قانونی جرم ثابت نشده است، نه در خود قوه، نه در بیرون قوه، نه در تریبون‌ها و منبرهای رسمی، نه در وسائل ارتباط جمعی، کسی حق ندارد آبروی یک مسلمانی را برد؛ این بسیار مسئله‌ی مهمی است. بعضی اوقات انسان می‌بیند روی قوه قضائیه فشار می‌آورند که آقا افشاء کنید. نه آقا، هیچ لزومی ندارد افشاء کردن. در موارد خاصی، بله، شارع مقدس مشخصاً و معیناً خواسته است که مردم مجازات را ببینند، یا مجازات شونده را بشناسند؛ این‌ها موارد خاصی است، مال همه‌جا نیست. به خصوص وقتی که در فضای جامعه روحیه‌ی تعمیم وجود دارد که یک چیزی را به غیر مورد خودش تعمیم می‌دهند، این‌جا انسان خیلی باید احتیاط کند. تا وقتی جرمی ثابت نشده است، قطعاً نبایستی کسی را در معرض قرار داد؛ در معرض اتهام هم نباید قرار داد؛ چون وقتی گفتید متهم است، افکار عمومی تفکیک

صرف متهم شدن که جرم نیست. به هر کسی ممکن است یک اتهامی وارد شود. تا وقتی که از طریق قانونی جرم ثابت نشده است، نه در خود قوه، نه در بیرون قوه، نه در تریبون‌ها و منبرهای رسمی، نه در وسائل ارتباط جمعی، کسی حق ندارد آبروی یک مسلمانی را برد؛ این بسیار مسئله‌ی مهمی است.

می‌کند بین متهمی که هیچ گناهی نکرده است، با آن کسی که شواهدی بر گناه او وجود دارد. حتی بعد از اثبات جرم هم چه لزومی دارد؟ عرض کردم، مگر یک موارد خاص؛ «و ليشهد عذابهما طائفة من المؤمنین» [نور/۲] چند مورد این‌جوری داریم. حتی اگر چنانچه فرض کنیم یک نفری جرمی هم کرده است، این جرم در دادگاه صالح اثبات هم شده است، این شخص به مجازات محکوم هم شده است - فرض کنید رفته زندان - چه لزومی دارد ما اسم او را در روزنامه‌ها منتشر کنیم تا بچه‌ی این آدم که دارد مدرسه می‌رود، دیگر رویش نشود مدرسه برود؟ چه اشکال دارد که این مدت زندانش را بگذرانند، بیاید بیرون، خودش و خانواده‌اش زندگی عادی‌شان را ادامه دهند؟ خب، جرمی کرد، مجازات شد، تمام شد دیگر. باید حتماً آبروریزی بشود؟ این از نکات بسیار مهمی است. البته مخاطب این حرف فقط قوه قضائیه نیست؛ مسئولان قوه، خارج قوه، رسانه‌ها مخاطبند. نه از آن طرف بایستی عملکرد قوه قضائیه را زیر سؤال برد؛ هر اقدامی که قوه قضائیه می‌کند، بگویند نه‌خیر، یک کاسه‌ای زیر نیم‌کاسه هست، یک غرضی هست - نه‌خیر، کسی نباید این‌جور عمل کند، این‌جور حرف بزند - نه از این طرف، افراد به صرف اینکه متهم به یک معنایی شدند،

¹⁶ <http://rajanews.com/detail.asp?id=150048>

این اتهام آشکار شود، واضح شود، در افکار عمومی مطرح شود. افکار عمومی از این مسئله چه لذتی می‌برد؟ برای افکار عمومی چه فایده‌ای دارد که بدانند زیدی، عمروی، بکری متهم به فلان عمل خلافی است؟ باید به این‌ها توجه کرد.^{۱۷}

بیانات در دیدار رئیس و مسئولین قوه قضاییه (۶ تیر ۹۰)

[چند روز بعد از افشاگریهای بر ضد محمدشرف ملک زاده در سطح جامعه و بازداشت شدن او توسط قوه قضاییه]

مشتمل کردن این اختلاف نظرها مضر است

مراقب باشیم دستگاه‌های انقلاب سرشان گرم کارهای غیرمفید و احیاناً مضر در این حرکت پیشرونده نشود، که یکی از اینها، همین مسئله‌ی اختلافات است، که من اگر روی اینها تکیه میکنم، به خاطر این است.

یکی از چیزهایی هم که حالا در عرصه و در میدان لازم است به آن توجه کنیم، این است که: مراقب باشیم دستگاه‌های انقلاب سرشان گرم کارهای غیرمفید و احیاناً مضر در این حرکت پیشرونده نشود، که یکی از اینها، همین مسئله‌ی اختلافات است، که من اگر روی اینها تکیه میکنم، به خاطر این است. یک وقت هست که یک جریانی در مقابل انقلاب می‌آید قد علم می‌کند به قصد کوبیدن انقلاب، خب، وظیفه‌ی هر کسی است که دفاع کند. انقلاب از خودش دفاع می‌کند، مثل هر موجود زنده‌ی دیگری. انقلابی که نتواند در دوران فتنه، در دوران ایجاد کودتاهای گوناگون - سیاسی و

نظامی و امثال این‌ها - از خودش دفاع کند، زنده نیست. این انقلاب زنده است؛ لذا از خودش دفاع می‌کند، غالب هم می‌شود، پیروز هم می‌شود، برو برگرد هم ندارد؛ کما این‌که در سال ۸۸ دیدید این کار اتفاق افتاد. یک وقت این است قضیه، یک وقت نه، قضیه، قضیه‌ی ایستادگی در مقابل یک حرکت براندازانه و اینچنین نیست؛ اختلاف نظر، اختلاف سلیقه، اختلاف عقیده احیاناً است. اینها را بایستی هرچه ممکن است فرو کاست. اینجور چیزها را هرچه ممکن است باید کم کرد. مشتمل کردن این اختلاف نظرها مضر است.^{۱۸}

بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران (۱۳ تیر ۹۰)

[چند ماه پس از اوج‌گیری افشاگری‌ها بر ضد گروهی تحت عنوان جریان انحرافی و کم‌تر از یک ماه پس از دستگیری گسترده «اعضای جریان انحرافی» توسط سپاه]

چهار نفر جذب می‌شوند اما چهار نفر آدم هوشمندتر دفع می‌شوند

یک مسئله این است که اگر یک کسی یک حرف غلطی زد، آیا کسی باید به او جواب بدهد یا نه؟ خب، بله معلوم است. جواب دادن به حرف غلط، شیوه‌ی خودش را دارد، راه خودش را دارد، کار خاص خودش است. یک وقت هست که حالا که کسی یک حرف غلطی

کار انقلاب از اساس با تبیین، روشن‌گری، بیان منطقی، مستدل و دور از هو و جنجال بود. اگر هو و جنجال وارد شد، حرف منطقی را هم خراب خواهد کرد. ممکن است چهار نفر جذب شوند، اما چهار نفر آدم هوشمندتر دفع می‌شوند.

زد، ما بیائیم مثلاً صدجا این حرف غلط را تابلو کنیم، شعار کنیم که آقا، فلانی این حرف غلط را زد، تا همه بدانند. این است که اشتباه است، خطاست. من با حرکت روشنگرانه از سوی هر کسی، از سوی هر نهادی، هیچ مخالفتی ندارم، بلکه علاقه‌مندم و معتقدم به مسئله‌ی تبیین. یعنی اصلاً جزو راهبردهای اساسی کار ما از اول، مسئله‌ی تبیین بوده است. تبیین لازم است؛ اما این معنایش این نیست که ما به اختلافات درونی، هی دامن بزنیم. مراقب باشید. این را همه باید مراقب باشند؛ به‌خصوص سپاه. سپاه مراقب باشد. در جریان‌های سیاسی، در جریان‌های گوناگون فکری و سلیقه‌ای مطلقاً مشتمل کردن فضا مناسب نیست. حالا شماها الحمدلله همه‌تان بصیرید، آگاهید، لابد از جریانات خبر دارید و الان همین

¹⁷ <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12805>

¹⁸ <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12857>

اوضاعی را که توی کشور هست، می‌بینید که متأسفانه این علیه آن، آن علیه این؛ و دستگاه‌های خارجی چه خوشحالی‌ای می‌کنند؛ تحلیل می‌گذارند رویش: بله، بینشان اختلاف افتاد، نابود شدند، از بین رفتند! آرزوهای خودشان را هی مرتباً تکرار می‌کنند. خوب، پیداست که این مسئله نقطه‌ی ضعف ماست. نباید بگذاریم این نقطه ضعف ادامه پیدا کند یا افزایش پیدا کند. اینها را باید توجه داشت. حرکت، حرکت، حرکت متین، مستدل و مستند باشد. اگر کسانی اختلاف‌نظرهایی دارند، با استدلال بیان کنند. عرض کردم، من معتقد به تبیین هستم. در دوران مبارزات هم، اختلاف ما با چپی‌ها و مارکسیست‌هایی که آن وقت مبارزه می‌کردند، سر همین بود که ما می‌گفتیم باید تبیین کرد، آنها به تبیین اعتقاد نداشتند؛ یک چیز دیگری می‌گفتند، یک تفسیر دیگری داشتند. کار انقلاب از اساس با تبیین، روشنگری، بیان منطقی، مستدل و دور از هو و جنجال بود. اگر هو و جنجال وارد شد، حرف منطقی را هم خراب خواهد کرد. ممکن است چهار نفر جذب شوند، اما چهار نفر آدم هوشمندتر دفع می‌شوند. این، حرف ماست؛ این، عرض ماست.^{۱۹}

بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران (۱۳ تیر ۹۰)

[چند ماه پس از اوج‌گیری افشاگری‌ها تحت عنوان جریان انحرافی و کم‌تر از یک ماه پس از دستگیری گسترده «اعضای جریان انحرافی» توسط سپاه]

این قطعاً از اسلام نیست

یکی از دوستان اشاره کردند که امیرالمؤمنین در فرمان خود به مالک اشتر فرموده‌اند که آدم‌های سوءاستفاده‌جو را رسوا کنید؛ شما گفته‌اید که افشاء نکنید. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نفرمودند موردی را که اثبات نشده، افشاء کنید. هیچ‌وقت چنین چیزی در بیان

ما واقعاً حق نداریم افراد را به صرف گمان، متهم کنیم، مشهور کنیم؛ واقعاً جایز نیست؛ نه در سایت، نه در روزنامه، نه در تریبون‌های گوناگون. حیثیت افراد را باید حفظ کرد.

امیرالمؤمنین نیست، و این قطعاً از اسلام نیست. ما چه‌طور چیزی را که اثبات نشده، به صرف اتهام، افشاء کنیم؟ ممکن است اینقدر حجم اتهام زیاد و وسیع باشد که یک عده‌ای به چشم یک امر قطعی و واقعی به آن نگاه کنند، اما هیچ پشتوانه‌ی استدلالی نداشته باشد، جایی ثابت نشده باشد. ما هیچ حجتی نداریم که این را بگوئیم. حتی من در همان جلسه‌ای که اشاره کردند، از این بالاتر را گفتم. من گفتم حتی جرمی که ثابت شد، اصل نباید بر افشای آن جرم باشد. بالاخره یک مجرمی است، یک غلطی کرده، مجازات هم می‌شود؛ خانواده‌ی او، فرزندان او، پدر و مادر او

گناهی نکرده‌اند؛ ما چرا بی‌خود اینها را رسوا کنیم؟ مگر آنجایی که خود نفس افشاء کردن، یک مصلحت بزرگی داشته باشد. بله، یک جایی هست که نفس افشاگری در یک مسئله‌ی ثابت‌شده، مصلحتی دارد؛ آنجا ایرادی ندارد. این، منطق ماست. هیچ چیزی هم نه از امیرالمؤمنین (علیه‌الصلوة و السلام) و نه از هیچیک از ائمه‌ی هدی (علیهم‌السلام) برخلاف این وجود ندارد. ما واقعاً حق نداریم افراد را به صرف گمان، متهم کنیم، مشهور کنیم؛ واقعاً جایز نیست؛ نه در سایت، نه در روزنامه، نه در تریبون‌های گوناگون. حیثیت افراد را باید حفظ کرد.^{۲۰}

بیانات در دیدار دانشجویان-رمضان (۱۹ مرداد ۹۰)

¹⁹ <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12857>

²⁰ <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=16912>

خودمان را مقید کنیم به اخلاق اسلامی

من یک توصیه هم در زمینه‌ی سیاسی بکنم. عزیزان من! برادران! خواهران! در سرتاسر کشور، امروز ما احتیاج داریم به اتحاد و یک‌پارچگی. بهانه‌های اختلاف زیاد است. گاهی در یک قضیه‌ای سلیقه‌ی یک نفر، دو نفر با هم یکسان نیست؛ این نباید بهانه‌ی اختلاف بشود. گاهی در کسی یک گرایش هست، در دیگری نیست؛ این نباید مایه‌ی اختلاف بشود. آراء، نظرات، همه محترمند. اختلاف در درون، منازعه‌ی در درون، موجب فشل می‌شود. قرآن به ما تعلیم می‌دهد: «و لا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم» [انفال/۴۶] اگر منازعه کنیم، سر مسائل گوناگون - مسائل سیاسی، مسائل اقتصادی، مسائل شخصیتی - دست‌به‌یقه شویم، دشمن ما جری می‌شود. یک مقدار از جرأتی که دشمن در سال‌های گذشته

این رسانه‌های الکترونیکی و اینترنتی متأسفانه موجب شده است که افراد بی‌محابا علیه یکدیگر حرف بزنند، بد بگویند. باید از طرف مسئولین کشور برای این هم یک جوری تدبیر بشود. ولی عمده این است که خود ما مردم، خودمان را مقید کنیم به اخلاق اسلامی؛ خودمان را مقید کنیم به قانون.

پیدا کرد، به خاطر اختلافات بود. امیرالمؤمنین (علیه الصلوة و السلام) به ما درس می‌دهد؛ می‌فرماید: «لیس من طلب الحق فاطهأه کمن طلب الباطل فأصابه». مخالفین دو جورند. یک مخالفی است که دنبال حق است، او هم دنبال جمهوری اسلامی است، او هم دنبال انقلاب است، او هم دنبال دین و خداست، منتها راه را اشتباه کرده؛ با این نباید دشمنی کرد؛ این فرق دارد با کسی که در جهت غیر نظام اسلامی، با هدف معاندانه‌ی علیه نظام اسلامی حرکت می‌کند. دل‌ها را به هم نرم کنید، برخوردها را نسبت به یکدیگر مهربانانه‌تر کنید. این رسانه‌های الکترونیکی و اینترنتی متأسفانه موجب شده است که افراد بی‌محابا علیه یکدیگر حرف بزنند، بد بگویند. باید از طرف مسئولین کشور برای این هم

یک جوری تدبیر بشود. ولی عمده این است که خود ما مردم، خودمان را مقید کنیم به اخلاق اسلامی؛ خودمان را مقید کنیم به قانون. حالا این حرف من بهانه‌ای نشود برای اینکه یک عده‌ای بروند جوان‌های انقلابی را به عنوان جوان‌های تند، مورد ملامت و شماتت قرار بدهند؛ نه، من همه‌ی جوان‌های غیور کشور را، جوانهای مؤمن انقلابی کشور را فرزندان خودم می‌دانم و پشت سر آنها قرار می‌گیرم؛ من از جوانان انقلابی و مؤمن و غیور حمایت می‌کنم؛ منتها همه را توصیه می‌کنم به این که در رفتار خود، با اخلاق اسلامی رفتار کنند؛ قانون را مراعات کنند. همه باید قانون را مراعات کنند. تجسم انقلاب در قانون جمهوری اسلامی است.^{۲۱}

بیانات در حرم رضوی در آغاز سال ۹۱ (۱ فروردین ۹۱)

از تعرض به آبروی دیگران باید پرهیز کرد

یکی از چیزهایی که در مجلس واقعاً نشانه‌ی سلامت است، پرهیز از تعرض به آبروی این و آن است. خب، یک منبری در اختیار شماست؛ این منبر، منبر عمومی است. شما وقتی حرف می‌زنید، پشت یک بلندگوی ملی دارید حرف می‌زنید؛ به گوش همه می‌رسد. اگر در این فرمایشاتی که شما در مجلس می‌فرمائید، مطلبی باشد که تعرض به آبروی کسی باشد، متهم کردن یک کسی باشد - ولو به نظر شما گناهکار است، لیکن گناهِش ثابت نشده - یا تعرض به یک امری باشد که ولو اصلاً واقع هم باشد، وظیفه‌ی من و شما نیست به آن بپردازیم؛ مثلاً مسائل خصوصی افراد. چرا باید در مجلس، در پشت بلندگوی مجلس، اسمی از این چیزها آورده شود؟ از این‌ها باید بشدت پرهیز کرد. اگر از این‌ها پرهیز شد، نشانه‌ی سلامت است.^{۲۲}

بیانات در دیدار نمایندگان مجلس نهم (۲۴ خرداد ۹۱)

²¹ <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=19301>

²² <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20027>

این عادت باید در مجلس ریشه کن شود

اگر چنانچه وقتی شما دارید حرف می‌زنید، دیگری مثلاً شروع کند به دست زدن یا هیاهو کردن، برای اینکه صدای شما به گوش آن مستمع نرسد، این کار، کار حکیمانه است؟ کار خردمندانه است؟

من قبلاً به برخی از نمایندگان محترم این نکته را عرض کرده‌ام، حالا هم چون همه‌ی شما تشریف دارید، به شما هم می‌گویم: مجلس جای گفت‌وگوی حکیمانه و خردمندانه است. شما یک حرفی می‌زنید، استدلالی دارید، استدلالتان را ذکر می‌کنید؛ بعد نفر بعدی می‌آید، می‌گوید به این دلیل، حرف ایشان غلط است، استدلالشان غلط است؛ بالاخره مجموعه هم یا به این رأی می‌دهد یا به آن رأی می‌دهد؛ این درست. اگر چنانچه وقتی شما دارید حرف می‌زنید، دیگری مثلاً شروع کند به دست زدن یا هیاهو کردن، برای اینکه صدای شما به گوش آن مستمع نرسد، این کار، کار حکیمانه است؟ کار خردمندانه است؟ این عادت باید در مجلس ریشه کن

شود که وقتی یک نماینده‌ای دارد حرف می‌زند، یا یک وزیری، یک مسئول دولتی‌ای دارد حرف می‌زند، از یک گوشه‌ی مجلس چهار نفر شروع کنند یک صدایی در آوردن! این خیلی چیز بدی است. متأسفانه در مجلس هشتم این بود؛ من نمی‌دانم حالا در مجلس هفتم هم بود یا نه. من اولی که با این قضیه برخورد کردم، حیرت کردم؛ مگر چنین چیزی ممکن است؟ دیدیم بله، هم ممکن است، هم واقع است! در مجلس اتفاق افتاده. مجلس جای این حرف‌ها نیست. بله، در اجتماعات عمومی، مردم عامی ممکن است از این کارها بکنند؛ یکی می‌آید حرف می‌زند، دیگری صدایی در می‌آورد. در تاریخ، همیشه هم از این کارها بوده. در قرآن هست که: «و هم بنهون عنه و ینتون عنه» [انعام/۲۶] وقتی پیغمبر حرف می‌زد، یک عده‌ای نمی‌گذاشتند صدا به گوش دیگران برسد؛ هیاهو می‌کردند. اما این باب جمهوری اسلامی نیست؛ آن هم در مجلس شورای اسلامی. مجلس شورای اسلامی جای حرف است. طرف کاملاً حرفش را بزند، تمام کند؛ بعد اگر حرفش غلط است، غیرمنطقی است، جناب‌عالی وارد شوید، استدلال کنید، بگوئید نه‌خیر، این حرف آقا هیچ منطقی ندارد، هیچ مبنایی ندارد؛ ردش کنید. این کار اشکال ندارد.^{۲۳}

بیانات در دیدار نمایندگان مجلس نهم (۲۴ خرداد ۹۱)

[حدود یک سال بعد از «دو دو کردن» برخی نمایندگان مجلس در حین سخنرانی احمدی نژاد در مجلس و تذکر رهبری به رئیس و برخی نمایندگان مجلس در این زمینه]

آبروی مؤمن هم‌ردیف جان او است

یک مسئله‌ی دیگری که در مورد قوه‌ی قضائیه مهم است - البته مخاطب این، فقط قوه‌ی قضائیه نیست؛ بیشتر، دستگاه‌های تبلیغاتی‌اند - مسئله‌ی آبروی اشخاص است. خیلی باید مراقب حفظ آبروی اشخاص بود. شریعت اسلامی عرض مؤمن را در ردیف جان او قرار داده. نباید قوه‌ی قضائیه، دستگاه‌ها، دادگاه‌ها و دستگاه‌های اداری قوه‌ی قضائیه، تحت تأثیر جوسازی تبلیغات رسانه‌ها قرار بگیرند. خب، رسانه‌ها انصافاً در این زمینه مشکلاتی دارند؛ بخصوص حالا که این پایگاه‌های رایانه‌ای راه افتاده، مشکلاتی وجود دارد؛ یعنی خیلی امور لازم‌الرعايه، رعایت نمی‌شود؛ حقیقتاً این جور است؛ این جزو نواقص زندگی ماست، نواقص کار ماست. خب، این در جای خود علاج دیگری دارد؛ علاج مسئله‌ی شایعات و کارهایی که در مطبوعات و غیر مطبوعات انجام می‌گیرد، مقوله‌ی جداگانه‌ای است؛ اما قوه‌ی قضائیه نباید تحت تأثیر قرار بگیرد. اگر چنانچه همه‌ی مطبوعات، همه‌ی پایگاه‌های رایانه‌ای که فضا درست می‌کنند، جو درست می‌کنند، افکار

مسئله‌ی دیگری که در مورد قوه‌ی قضائیه مهم است - البته مخاطب این، فقط قوه‌ی قضائیه نیست؛ بیشتر، دستگاه‌های تبلیغاتی‌اند - مسئله‌ی آبروی اشخاص است. خیلی باید مراقب حفظ آبروی اشخاص بود. شریعت اسلامی عرض مؤمن را در ردیف جان او قرار داده.

عمومی می‌سازند، به یک سمتی هل دادند، قوه‌ی قضائیه، آن دادگاه خاص یا دادرسی که حالا مسئول پیگیری یک پرونده است، بایستی کار خودش را انجام بدهد؛ هیچ تحت تأثیر نباید قرار بگیرد. این نکته‌ی بسیار اساسی است. اسم آوردن از متهمین، قبل از

²³ <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20027>

اثبات جرم، یا اسم نیاوردن، اما جوری بیان کردن که مثل اسم آوردن است، اینها اشکال دارد، ایراد دارد؛ اینها ارتقاء قوه‌ی قضائیه و دستگاه قضای کشور را یقیناً دچار اختلال می‌کند. این هم یک نکته است که حتماً بایستی مورد توجه قرار بگیرد.^{۲۴}

بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه‌ی قضائیه (۷ تیر ۹۱)

نظر کارشناسی متفاوت مخالفت با ولایت فقیه نیست

من به شما عرض بکنم؛ هیچ نظر کارشناسی‌ای که مخالف با نظر این حقیر باشد، مخالفت با ولایت نیست؛ دیگر از این واضح‌تر؟!

گفته شد که بعضی‌ها نظرات کارشناسی می‌دهند، با نظر رهبری مخالف است، می‌گویند آقا این ضد ولایت است. من به شما عرض بکنم؛ هیچ نظر کارشناسی‌ای که مخالف با نظر این حقیر باشد، مخالفت با ولایت نیست؛ دیگر از این واضح‌تر؟! نظر کارشناسی، نظر کارشناسی است. کار کارشناسی، کار علمی، کار دقیق به هر نتیجه‌ای که برسد، آن نتیجه برای کسی که آن کار علمی را قبول دارد، معتبر است؛ به هیچ وجه مخالفت با ولایت

فقیه و نظام هم نیست. البته گاهی اوقات می‌شود که این حقیر خودش در یک زمینه‌ای کارشناس است؛ بالاخره ما هم در یک بخش‌هایی یک مختصر کارشناسی‌ای داریم؛ این نظر کارشناسی ممکن است در مقابل یک نظر کارشناسی دیگر قرار بگیرد؛ خیلی خوب، دو تا نظر است دیگر؛ کسانی که می‌خواهند انتخاب کنند، انتخاب کنند. در زمینه‌های فرهنگی، در زمینه‌های آموزشی - در بخش‌های مخصوصی - بالاخره ما یک مختصری سررشته داریم، یک قدری کار کردیم؛ این می‌شود نظر کارشناسی. به هر حال هیچ‌گاه اعلام نظر کارشناسی و نظر علمی، معارضة و مبارزه و مخالفت و اعلام جدایی از رهبری و ولایت و این حرف‌ها به حساب نمی‌آید و نباید بیاید.^{۲۵}

بیانات در دیدار دانشجویان (۱۶ مرداد ۹۱)

پرهیز از قول به غیر علم، از غیبت، از تهمت

خب، در مسئله‌ی اخلاق، این نکته را هم عرض بکنم - این را بعداً می‌خواستم عرض کنم؛ چون می‌ترسم وقت بگذرد، جلوتر عرض میکنم؛ زیرا جزو اساسی‌ترین مسائل است - پرهیز از قول به غیر علم، از غیبت، از تهمت. من خواهش میکنم شما جوانهای عزیز به این مسئله اهتمام بورزید. همین طور که در زمینه‌های مختلف اهتمام به طهارت عملی دارید - به نماز اهتمام دارید، به روزه اهتمام دارید، به پرهیز از تعرضهای جنسی اهتمام دارید - به این مسئله هم اهتمام داشته باشید. اگر چنانچه ما چیزی را به کسی نسبت بدهیم که در او نیست، خوب این میشود تهمت. اگر چنانچه چیزی را بگوئیم که به آن علم نداریم؛ مثلاً یک شایعه است - یک نفری یک حرفی را از قول یکی نقل میکند، ما هم همان را دوباره تکرار میکنیم - خب، این کمک کردن به شایعه است، این شایعه‌پردازی است؛ قول به غیر علم است. قول به غیر علم، خود قولش هم اشکال دارد، عمل کردن به آن امر غیر معلوم و بدون علم هم اشکال دارد؛ «و لا تقف ما لیس لک به علم» [اسراء/۳۶] «لا تقف»، یعنی چیزی را که علم به آن نداری، دنبال نکن، دنبال نرو. دنبال کردن، هم در زمینه‌ی عمل هست، هم در زمینه‌ی گفتار هست. وقتی شما یک چیزی را گفتید که به آن علم ندارید، این هم اختفاء امری است که انسان به آن علم ندارد. لذا دنبالش میفرماید: «أَنْ السَّمْعُ وَ الْبَصَرُ وَ الْفؤَادُ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسئولاً».^{۲۶}

بیانات در دیدار دانشجویان (۱۶ مرداد ۹۱)

²⁴ <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20099>

²⁵ <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20686>

²⁶ <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20686>

بصیرت یعنی رقیب جناحی را شیطان اکبر نبینند

البته یکی از مسائل مهم، مسئله‌ی بصیرت است. من به شما عرض بکنم؛ بصیرت در این دوران و در همه‌ی دوران‌ها به معنای این است که شما خط درگیری با دشمن را تشخیص دهید؛ کجا با دشمن درگیری است؟ بعضی‌ها نقطه‌ی درگیری را اشتباه می‌کنند؛ خمپاره و توپخانه‌ی خودشان را آتش می‌کنند به سمت یک نقطه‌ای که آنجا دشمن نیست، آنجا دوست است. بعضی‌ها رقیب

بعضی‌ها رقیب انتخاباتی خودشان را «شیطان اکبر» به حساب می‌آورند! شیطان اکبر آمریکاست، شیطان اکبر صهیونیسم است؛ رقیب جناحی که شیطان اکبر نیست، رقیب انتخاباتی که شیطان اکبر نیست، رقیب جناحی که شیطان اکبر نیست، رقیب انتخاباتی که شیطان اکبر نیست.

انتخاباتی خودشان را «شیطان اکبر» به حساب می‌آورند! شیطان اکبر آمریکاست، شیطان اکبر صهیونیسم است؛ رقیب جناحی که شیطان اکبر نیست، رقیب انتخاباتی که شیطان اکبر نیست، من طرفدار زیدم، شما طرفدار عمرویی؛ من شما را شیطان بدانم؟ چرا؟ به چه مناسبت؟ در حالی که زید و عمرو هر دو ادعای انقلاب و اسلام می‌کنند، در خدمت اسلام و در خدمت انقلابند. خط درگیری با دشمن را مشخص کنیم. گاهی هست که یک نفری در لباس خودی است، اما حنجره‌ی او سخن دشمن را تکرار می‌کند! خب، او را باید نصیحت کرد؛ اگر با نصیحت عمل نکرد،

انسان با او باید حد و مرز تعریف کند: خط فاصل. جدا می‌شویم. اگر بناست شما با همان احساساتی که رژیم صهیونیستی نسبت به جمهوری اسلامی دارد - ولو با یک ادبیات دیگری - بخواهی در مقابل جمهوری اسلامی بایستی و حرف بزنی، خب با رژیم صهیونیستی چه فرقی داری؟ اگر با همان منطقی که آمریکا در مقابل جمهوری اسلامی عمل می‌کند، شما بخواهی با آن منطق با جمهوری اسلامی تعامل کنی، خب شما با آمریکا فرقی نداری. این مسئله جداست. اما یک وقت هست که نه، این جور نیست. ممکن است اختلافات، اختلافات عمیقی هم باشد، اختلافات بزرگی هم باشد، اما انسان دشمن را با غیردشمن نباید اشتباه کند؛ دشمن حساب دیگری دارد، غیردشمن حساب دیگری دارد. خط درگیری با دشمن را باید ترسیم کرد، مشخص کرد؛ این بصیرت می‌خواهد. بصیرتی که ما عرض می‌کنیم، این است. یک عده‌ای از آن طرف می‌افتند، یک عده‌ای از این طرف می‌افتند. یک عده‌ای با دشمن هم معامله‌ی دوست می‌کنند، فریاد دشمن را هم نمی‌شناسند، چون از حنجره‌ی دیگری در می‌آید؛ یک عده هم از این طرف، هرکسی که اندک اختلاف سلیقه‌ای با آنها دارد، به حساب دشمن می‌گذارند! بصیرت، آن خط وسط است؛ آن خط درست است.^{۲۷}

بیانات در دیدار بسیجیان استان خراسان شمالی (۲۴ مهر ۹۱)

اینجور کارها، هم خلاف شرع است، هم خلاف قانون است، هم خلاف اخلاق است

یک نکته هم راجع به مسائل داخلی کشورمان عرض کنم، که این هم مسئله‌ی مهمی است. قضیه‌ای در مجلس پیش آمد؛ قضیه‌ی بدی بود، قضیه‌ی نامناسبی بود؛ هم ملت را ناراحت کرد، هم نخبگان را ناراحت کرد. بنده‌ی حقیر هم از دو جهت ناراحت شدم:

اینجور کارها، هم خلاف شرع است، هم خلاف قانون است، هم خلاف اخلاق است، هم تضييع حقوق اساسی مردم است. یکی از حقوق اساسی مهم مردم این است که در آرامش روانی و در امنیت روانی زندگی کنند؛ در کشور امنیت اخلاقی برقرار باشد.

هم خودم در مقابل این قضایا احساس تأثر می‌کنم؛ هم به خاطر ناراحتی مردم، انسان احساس تأثر می‌کند. خب، رئیس یک قوه به استناد یک اتهام ثابت نشده و مطرح نشده‌ای در دادگاه، دو قوه‌ی دیگر را متهم کرد؛ این کار بدی بود، این کار نامناسبی بود؛ اینجور کارها، هم خلاف شرع است، هم خلاف قانون است، هم خلاف اخلاق است، هم تضييع حقوق اساسی مردم است. یکی از حقوق اساسی مهم مردم این است که در آرامش روانی و در امنیت روانی زندگی کنند؛ در کشور امنیت اخلاقی برقرار باشد. اگر یک فردی متهم به فساد است، نمی‌شود به خاطر او انسان دیگران را متهم کند؛ حتی اگر ثابت هم می‌شد، چه برسد به اینکه ثابت نشده است، دادگاهی نرفته، محاکمه‌ای نشده. به

استناد متهم کردن یک نفر، انسان بیاید دیگران را، مجلس را، قوه‌ی قضائیه را متهم کند؛ این کار درست نیست، این کار غلط است. بنده فعلاً نصیحت می‌کنم. این کار، کار شایسته‌ای برای نظام جمهوری اسلامی نیست. آن طرف قضیه هم، اصل این استیضاحی که

²⁷ <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21298>

در مجلس انجام گرفت، غلط بود. خب، استیضاح باید یک فایده‌ای داشته باشد. چند ماه به پایان کار دولت، استیضاح یک وزیر، آن هم باز با یک علت و دلیلی که مربوط به خود آن وزیر نیست، چه معنی دارد؟ چرا؟ این هم غلط بود. این هم که شنیدم در داخل مجلس کسانی حرف‌های نامناسبی بر زبان آوردند، این هم غلط است. همه‌ی این قضایا، قضایای نامتناسبی است با نظام جمهوری اسلامی؛ نه آن متهم کردن، نه آن برخورد کردن، نه آن استیضاح. دفاعی هم که رئیس محترم قوه از خودش کرد، آن هم یک قدری زیاده‌روی بود؛ لزومی نداشت. وقتی ما همه با هم برادریم، وقتی دشمن مشترک جلوی روی ما هست، وقتی توطئه را می‌بینیم، چه کار باید بکنیم؟ تا امروز مسئولین در مقابل توطئه‌های دشمن همیشه کنار هم ایستاده‌اند، حالا هم باید همین جور باشد، همیشه هم باید همین جور باشد. من از مسئولان قوا و مسئولان کشور همیشه حمایت کردم؛ باز هم هر کسی که مسئولیتی بر دوش دارد، بنده از او حمایت می‌کنم، به او کمک می‌کنم؛ اما این کارها را نمی‌پسندیم؛ این کارها متناسب با تعهدها نیست؛ با سوگندهایی که خورده شده، مناسب نیست. این ملت عظیم را ببینند؛ شایسته‌ی این ملت، رفتار دیگری است.^{۲۸}

بیانات در دیدار مردم آذربایجان (۲۸ بهمن ۹۱)

پس از جلسه‌ی استیضاح وزیر رفاه در مجلس به دلیل ادامه حضور مرتضوی در سازمان تأمین اجتماعی که در آن رئیس جمهور فیلمی از گفت‌وگوی خصوصی مرتضوی و برادر رئیس مجلس را پخش کرد، رئیس مجلس به تندی پاسخ داد و نمایندگان به فریاد کشیدن و ناسزاگویی پرداختند]

اگر واقعاً حزب‌اللّهی و مؤمنند، نکنند

این را هم عرض بکنیم؛ این حرفی که من امروز زدم و از بعضی از مسئولان و سران کشور گله‌گزار می‌کردم، موجب نشود که حالا یک عده‌ای راه بیفتند، بنا کنند علیه این و آن شعار دادن؛ نه، بنده با این کار هم مخالفم. این که شما یک نفر را به عنوان ضد ولایت، ضد بصیرت، ضد چه، مشخص کنید، بعد یک عده‌ای راه بیفتند علیه او شعار بدهند، مجلس را به هم بزنند، بنده با این کارها هم مخالفم؛ این را من صریح بگویم. این کارهایی که در قم اتفاق افتاد، بنده با این جور کارها مخالفم. آن کارهایی که در مرقد امام اتفاق افتاد، بنده با این جور کارها مخالفم. بارها به مسئولین و کسانی که می‌توانند جلوی این چیزها را بگیرند، تذکر داده‌ام. آن کسانی که این کارها را می‌کنند، اگر واقعاً حزب‌اللّهی و مؤمنند، خب نکنند. می‌بینید که تشخیص ما این است که این کارها به ضرر کشور است، این کارها به نفع نیست. با احساساتشان راه بیفتند اینجا، آنجا، علیه این شعار بدهند، علیه آن شعار بدهند؛ این شعار دادن‌ها کاری از پیش نمی‌برد. این خشم‌ها را، این احساسات را برای جای لازم نگه دارید. در دوران دفاع مقدس اگر

بسیجی‌ها می‌خواستند همین‌طور بروند یک جایی، طبق میل خودشان حمله کنند، که خب پدر کشور در می‌آمد. نظمی لازم است، انضباطی لازم است، مراعات لازم است. اگر چنانچه به این حرف‌ها اعتنایی ندارند، آن‌ها که خب حسابشان جداست؛ اما آن کسانی که به این حرف‌ها اعتناء دارند و مقیدند که برخلاف موازین شرع حرکت نکنند، باید مراقبت کنند، از این کارها نکنند.^{۲۹}

بیانات در دیدار مردم آذربایجان (۲۸ بهمن ۹۱)

[حدود یک هفته پس از داده شدن برخی شعارهای تند بر ضد رئیس مجلس در حسین سخترانی وی در مراسم ۲۲ بهمن در قم و ناتمام ماندن سخترانی مذکور]

²⁸ <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22042>

²⁹ <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22042>

فضای اهانت و هتک حرمت در جامعه، یکی از آن چیزهایی است که اسلام مانع از آن است؛ نباید این اتفاق بیفتد. فضای هتک حرمت، هم خلاف شرع است، هم خلاف اخلاق است، هم خلاف عقل سیاسی است. انتقاد، مخالفت، بیان عقاید، با جرأت، هیچ اشکالی ندارد؛ اما دور از هتک حرمت‌ها و اهانت‌ها و فحاشی و دشنام و این چیزها. همه هم در این زمینه مسئولند. این کار علاوه بر اینکه فضا را آشفته می‌کند و اعصاب آرام جامعه را به هم می‌ریزد - که امروز احتیاج به این آرامش هست - خدای متعال را هم از ما خشمگین می‌کند. من می‌خواهم این پیامی باشد به همه‌ی آن کسانی که یا حرف می‌زنند، یا می‌نویسند؛ چه در مطبوعات، چه در وبلاگ‌ها. همه‌ی این‌ها بدانند، کاری که می‌کنند، کار درستی نیست. مخالفت کردن، استدلال کردن، یک فکر سیاسی غلط یا یک فکر دینی غلط را محکوم کردن، یک حرف است، مبتلا شدن به این امرِ خلاف اخلاق و خلاف شرع و خلاف عقل سیاسی، یک حرف دیگر است؛ ما این دومی را به طور کامل و قاطع نفی می‌کنیم؛ نباید این کار انجام بگیرد.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری (۱۹ اسفند ۸۹)

بدون روتوش



بهار ۱۳۹۲

brotoush.com
mail@brotoush.com

گروه ایبوخ